

## نزاع خیابانی؛ رقابت بر سر باخت

افزایش آمار درگیری و نزاع خیابانی در نگاه اول ذهن را به این سو می برد که آستانه تحمل و مدارا در میان مردم کاهش یافته است



افزایش آمار درگیری و نزاع خیابانی در نگاه اول ذهن را به این سو می برد که آستانه تحمل و مدارا در میان مردم کاهش یافته است و نسبت به ارائه راهکار از سوی جامعه‌شناسان، برای مقابله با این معضل جدی، هنوز اهتمامی صورت نگرفته است. کافی است به مراکز پزشکی قانونی در کلانشهرها بروید و صف انبوهی از طرفین نزاع و درگیری را ببینید که به صرف مسائل پوچ و پیش پا افتاده حسابی به هم تاخته و گریبان دریده و همدیگر را زخمی کرده اند و اکنون نوبت پلیس و دستگاه قضاست تا در این زمینه با فرد خاطی برخورد کند. دلیل گسترش نزاع‌های خیابانی که در برخی موارد به خسارات جبران ناپذیری از جمله قتل و مجروحیت‌های بسیار خطرناک منجر می شود، چیست؟ چرا هر روز ما در کوچه و خیابان شاهد دست به یقه شدن عده ای هستیم که بدون توجه به سرانجام رفتارهای خود با هم درگیر می شوند و متأسفانه گاه حوادث دلخراش و بعضاً غیرقابل جبرانی را رقم می زنند که اگر بخواهیم به آنها اشاره کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ در ذهن تداعی خواهد شد.

آیا گروه‌ها و نهادهای مرجع اجتماعی همانند معلمان و نهادهای آموزشی و ارشادی مردم را در این موارد راهنمایی کرده اند؟ بی شک پاسخ همه این پرسش‌ها منفی است و به رغم انجام برخی کارهای کلیشه‌ای هیچ ارگان و نهادی نمی تواند ادعا کند در موضوع نزاع‌های خیابانی طرح جامعی ارائه داده است. زیرا اگر چنین اقدامی انجام می شد شاهد افزایش نزاع‌های خیابانی نبودیم؛ موضوعی که همچنان بر مدار تکرار قرار گرفته و سیر صعودی به خودگرفته است و روزی را نمی توان شاهد بود که در گوشه و کنار کلانشهرها نزاع خیابانی رخ ندهد و تلفن مرکز فوریت‌های پلیس 110 به صدا در نیاید.

بیاید واقع بین باشیم و بپذیریم افزایش تنش‌های روانی در جامعه به شرایط هشدار و بحران رسیده است و آستانه تحمل مردم هر روز کاهش می یابد و دست اندرکاران امور اجتماعی همچنان سکوت کرده اند.

مردم به دلایل گوناگون به شدت دچار استرس هستند و برای خلاص شدن از این فشارها، عقده‌های خود را بر سر دیگران خالی می کنند. برای نمونه فردی که درون خانواده با همسر خود مشکل دارد، بر سر اختلاف ناچیز بر سر قیمت یک کالا، با فروشنده درگیر می شود، یا مسافری به دلیل چند تومان کرایه اضافه با راننده درگیر می شود یا بر عکس راننده گریبان مسافر را گرفته و او را در حد مرگ کتک می زند که چرا کرایه خود را کم داده است.

آیا سرپوش گذاشتن بر این واقعیت و کتمان حقایق علاج حل این معضل است؟ برخی از کارشناسان بر این عقیده اند چند عامل بسیار اساسی در گسترش اضطراب و تنش‌های روحی و روانی در میان مردم نقش اصلی را دارد؛ اول فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و اخلاقی و دوم مشکلات اقتصادی، سوم فاصله طبقاتی و مهم‌ترین آن بی توجهی به بهداشت روانی جامعه و دیگر علل و عواملی که در شکل‌گیری نزاع‌های خیابانی دخالت دارد.

نزاع‌های خیابانی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که با انگیزه‌هایی متفاوت رخ می دهند، انسان‌ها به دلایل مختلف با هم ارتباط دارند و زمانی که روابطشان جوابگوی نیازهایشان نمی شود، درگیری ایجاد می شود.

فراموش نکنیم به هر میزان فضایی که انسان‌ها در آن زندگی می کنند، فضای بازتری باشد، درگیری‌ها خیلی کمتر خواهد بود. به عنوان مثال درگیری میان کشاورزان که در فضای بازتر زندگی می کنند، در مقایسه با کسانی که در فضای بسته شهرها زندگی می کنند، بسیار کمتر است، دلیل آن، این است که فشارهای محیطی بر روستاییان کمتر است. دکتر غلامرضا جمشیدی از استاد دانشگاه و جامعه‌شناس شرایط محیطی در گرایش افراد به نزاع‌های خیابانی را اصلی مهم و غیرقابل انکار می داند و می گوید، در محیط روستایی فضا باز است، اما در شهرها شاهد فضای بسته و گرفته‌ای هستیم. محیط زندگی فرد تاثیر بلامنازعی بر روحیه و اخلاق فرد دارد، مثلاً در تهران مناطقی وجود دارد که از نظر آماری نسبت به دیگر مناطق جرم خیزترند و این می تواند دلایل گوناگونی داشته باشد که محیط، یکی از این دلایل است.

جمشیدی از فشردگی محیط، بدی آب و هوا، خستگی کار و گذشت نکردن به عنوان برخی از دلایل دیگر نزاع‌های خیابانی و درگیری‌ها نام برد و افزود: این عوامل به تنهایی تعیین کننده نیستند و باید توجه کرد که عامل اصلی خود انسان است، شخصی در همین تهران ممکن است تمام شرایط را تحمل کند، ولی خوشرو باشد، چون عقاید دینی به کمکش می آید. فرهنگ،

تعلیم و تربیتی که در محیط خانه و خانواده آموخته به کمکش می آید، تا آن عوامل تعدیل شود.

مکانیکی شدن اغلب روابط نیز باعث واکنش های غیرمنطقی و غیرمتعارفی از جمله نزاع و درگیری می شود و در درگیری های خیابانی و خانوادگی باید سعه صدر افراد افزایش یابد. اصل اول در این خصوص، گذشت است که نیاز به زیرساخت های فرهنگی و اجتماعی دارد. متأسفانه فرهنگ گذشت در جامعه ضعیف شده است، باید این فرهنگ در جوامع احیا شود و از کودکی گذشت و مهربانی در وجود آنها نهادینه شود.

در کشور های پیشرفته آداب و رفتار های اجتماعی از مهد های کودک و دوران تحصیل به کودکان آموزش داده می شود. برای نمونه در مهدکودک های ژاپن، مربی با قرار دادن یک صندلی در کلاس از کودکان می خواهد تا پس از یک دور کوتاه روی صندلی بنشینند و به هم کمک کنند تا دیگر دوستانشان که دیرتر به سمت صندلی آمده اند روی آن بنشینند در نتیجه کودکان تلاش می کنند تا به هم کمک کنند، اما در مهدکودک های وطنی صرفاً به کودکان آموزش داده می شود آن کس که زودتر از بقیه روی صندلی بنشیند برنده مسابقه است.

خشونت ها، پرخاشگری ها و خوارشردن دیگران پدیده هایی هستند که در اجتماع به وجود می آید و نمی توان گفت ارثی و ذاتی است. انسان، پرخاشگر و مجرم متولد نمی شود و این نظام اجتماعی است که باعث می شود افراد پرخاشگر بار بیابند. در مورد نزاع های خیابانی باید گفت عوامل متعددی در بروز آن دخیل هستند. زمانی که در یک جامعه بیکاری در حد انفجار قرار گرفته و این معضل تک تک خانواده ها را درگیر خودش کرده است، وقتی که جوانان کمتری می توانند به ازدواج فکر کنند و حتی ازدواج برای آنان یک رؤیا تلقی می شود، زمانی که تورم و گرانی در یک جامعه کمرشکن باشد مطمئناً ناهنجاری ها در جامعه رخ خواهد داد.

بیکاری باعث هر نوع مشکلی در جامعه است. این شرایط باعث می شود افراد در جامعه درگیری های بیشتری داشته باشند. هیچ کسی ذاتاً بیمار نیست. زمانی که در جامعه ای شادی و نشاط به اندازه وجود نداشته باشد، آمار طلاق بالا باشد، آمار ازدواج پایین باشد و... اینها باعث می شود تغییراتی در رفتار انسان ها صورت بگیرد که بر سر مسائل جزئی با هم مشاجره کنند و درگیر شوند.

می توان گفت نزاع های خیابانی و ناهنجاری هایی که در جامعه مشاهده می شود، زائیده مشکلاتی است که در جامعه وجود دارد و سبب می شود افراد هرچند ناخواسته دست به پرخاشگری بزنند. در این میان مشکلات اقتصادی بخصوص بیکاری می تواند بیش از دیگر عوامل مورد توجه باشد. همه ما بارها در خیابان های شهر شاهد نزاع های خیابانی بوده ایم که بیشتر بر سر مسائل بسیار جزئی اتفاق افتاده و با کمی صبوری و گذشت می توانست اصلاً اتفاق نیفتد.

درگیری هایی که خسارت های مالی و جانی فراوانی در پی دارند، اغلب هر دو طرف درگیری و گاه افراد میانجی و واسطه هم در این میان متضرر شده و آسیب های جبران ناپذیری متوجهشان می شود. وجود رفتارهایی نظیر تحقیر، رفتار ناعادلانه، بیکاری، فقر، تضاد طبقاتی، بی اعتنائی به اموال دیگران، طلاق، برخوردهای کلامی و رفتارهای بی ادبانه باعث بروز خشم در افراد می شود.

وقتی فرد در مقابل رفتار تحقیرآمیز یا ناعادلانه قرار می گیرد، واکنش دفاعی وی به صورت خشم بروز می کند. گاهی این منازعات و کنترل نکردن خشم به قتل منجر می شود و پرونده ای را مفتوح می کند که عنوانش قتل عمد است که باید در سیستم قضایی رسیدگی شود. کما این که برخی منازعات منجر به شکایت نمی شوند و مواردی هم که شاکی دارند در دادسرا به صلح می انجامد.

باید پذیرفت به دلایل مختلف منازعات خیابانی زنگ خطری برای جامعه است، در حالی که بی تفاوتی جامعه در مواجهه با این آمارها حاکی از آن است زد و خوردهای خیابانی بخشی از زندگی روزمره ما شده است در حالی که گسترش شهرنشینی و پیدایش جوامع به هم پیوسته، استفاده از تعقل و اندیشه برای حل مسائل را ارائه می دهد نه برخورد فیزیکی.

بدون تردید اگر این روند همچنان ادامه یابد، به مرور شاهد بی تفاوتی اجتماعی نسبت به این معضل خواهیم بود. آمارهای پزشکی قانونی نشان می دهد بیشترین موارد درگیری ها بین افراد جوان صورت می گیرد که این افراد ویژگی هایی مانند ناپختگی، بی تجربگی، انرژی زیاد و تحریک پذیری دارند و مستعد درگیری و زد و خورد و پیامدهای آن هستند. آسیب شناسان بر این عقیده اند وقتی آستانه تحمل افراد جامعه پایین بیاید، آمار نزاع های خیابانی بالا می رود.

ناصر صبوری / گروه حوادث

